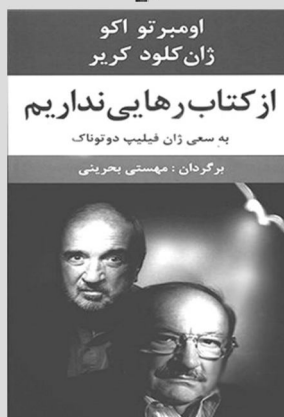


نگاهی به کتاب «از کتاب رهایی نداریم»

به کوشش: ژان فیلیپ دوتوناک، ترجمه: مهستی بحرینی



حمید نامجو



«از کتاب رهایی نداریم» کتابی است درباره «کتاب» و البته درباره این پرسش که آیا پیشرفت تکنولوژی و نفوذ گسترده کامپیوتر در زندگی مردم سبب حذف تدریجی کتاب خواهد شد؟ و اینکه سرنوشت کتاب در آینده چگونه رقم خواهد خورد.

اندیشیدن به این پرسش‌ها و پرسش‌هایی که در پی پاسخ به آن سوال پایه‌ای در پی خواهد آمد، سبب بوجود آمدن این کتاب شده است. در واقع فیلیپ دوتوناک این پرسش‌ها را با دو تن از هنرمندان و اندیشمندان پر آوازه یعنی «امبرتو اکو» و «ژان کلودکریر» در میان گذاشته است و حاصل آن یک گفتگوی شیرین و خواندنی از کار در آمده است.

امبرتو اکو محقق، زبان‌شناس، متخصص زبان و فرهنگ قرون وسطی و در عین حال رمان نویس و روزنامه‌نگار ایتالیایی و عاشق کتاب که صدها اثر تحقیقی و تالیفی و ادبی دارد، یک طرف این گفتگوست و طرف دوم ژان کلودکریر فیلمنامه نویس، کارگردان تئاتر و جستار نویس فرانسوی که ما با فیلم «سیرانودو برژاک» با نام او آشنا هستیم، اطلاعاتی بی‌نظیری از تاریخ و فرهنگ سراسر جهان از جمله ایران دارد، در این گفتگو، تجربه‌ها و نگاهشان به کتاب را به بحث می‌گذارند و خود ژان فیلیپ دوتوناک که پرسشها را مطرح می‌کند گاه در این گفتگو یا بهتر است بگوییم اقتراح شرکت می‌کند.

پرسش اصلی همان است که به آن اشاره شد: فن‌آوری مدرن هر روز پیش از پیش در زندگی ما رسوخ می‌کند. از حدود ۴۰ سال قبل که نوار ویدئو به بازار آمد تا امروز که DVD بعنوان پرظرفیت‌ترین ابزار حفظ و انتقال دیتا کم کم دارد جایش را به فلش‌های کوچک اما با ظرفیت چند برابر می‌دهد، این روند کوچک شدن حجم حافظه‌ها و تولید امکانات مدرن، سهولت دستیابی به اطلاعات را سرعت بخشیده است. اکنون که مردم بخش مهمی از اطلاعات مورد نیازشان را از اینترنت و از طریق کامپیوترهای پرتابل، انواع تبلت‌ها و تلفنهای موبایل بدست می‌آورند، آیا کتابها بتدریج به حاشیه رانده شده و سپس مضمحل خواهند شد؟ آیا ضرورت‌هایی وجود دارد که کتاب کماکان به هستی خود ادامه دهد؟ آیا کتابخانه‌های بزرگ از زندگی ما حذف شده و جایشان را به فلش‌های کوچک خواهند داد و دیگر کتابی منتشر نخواهد شد؟

پاسخ‌های این نظاره گران تیز بین تاریخ به این پرسش‌ها بسیار جالب و خواندنی است. فصل اول کتاب با عنوان «کتاب نخواهد مرد» اشاره‌ای به نشر کتاب و تاریخ چاپ دارد و گفته می‌شود که همچنان که برخی اختراعات نظیر چکش، چرخ و قاشق در طول قرون تغییری نکرده‌اند و کسانی که قاشق متفاوت یا چرخ متفاوتی اختراع کرده‌اند چندان موفق نبوده، کتاب نیز به حیات خود ادامه خواهد داد. از طرف دیگر محدودیت‌هایی که کامپیوتر و e-beok و ابزارهایی نظیر این دارند در مورد کتاب صادق نیست. لذت و لو شدن بر کف اتاق یا تکیه زدن برصندلی پارک و مطالعه کردن با لب‌تاپها و تبلت‌ها قابل تکرار نیست. کتاب را می‌توان به ساحل دریا یا به وان حمام برد و حتی بالای یک درخت خواند اما بسیاری از این وسایل، این قابلیت‌ها را ندارند. کتاب را می‌توان در زیر نور شمع یا در جایی وسط بیابان یا یک جریزه بدون برق به همراه برد در حالیکه باقی آن تجهیزات وابسته به نیروی برق هستند.

در فصل دوم با عنوان «هیچ چیز ناپایدارتر از وسایل ماندگار نیست» نگاهی دارد به سرنوشت اولین فلاپی دیسک‌ها و بعد CD و بعد DVD که نسل به نسل از بین رفتند و جای خود را به نسل بعدی دادند. در دهه ۱۹۹۰ تعدادی از سخنرانی‌های «آیزایابرلین» ضبط شده بر روی لوله‌های دیکتافون که از اولین وسایل ضبط صدا بود در کتابخانه دانشگاه کمبریج یافت شد اما دستگاهی که بتوان این سخنرانی‌ها را شنید یا پیاده سازی کرد در همه انگلستان پیدا نشد. در حالیکه امروز دست نوشته‌های افلاطون و یا کتابهای باقی مانده از قرون وسطی هنوز در کتابخانه‌ها و موزه‌ها قابل خواندن است. کتابها از محکم‌ترین و عظیم‌ترین بناهای معماری ماندگار ترند. فن‌آوری هر روز امکانات جدیدی را عرضه خواهد کرد که چندان ماندگار نخواهد بود اما کتابها سر جای خودشان خواهند ماند.

در بخش چهارم با عنوان «نام همه شرکت کنندگان در نبرد واترلو»، بحث درباره اهمیت کتاب است. کلودکیر که ظاهراً همسری ایرانی با نام «نهاد تجدد» دارد و بسیار

به فرهنگ ایران علاقه‌مند است، مثالی می‌زند از یک دانشمند معروف ایرانی به نام «ابن ندیم» که در بغداد زندگی می‌کرده. ابن‌ندیم در واقع صحاف و خوشنویس بوده. او تمام کتابهایی که برای صحافی نزدش می‌بردند را می‌خوانده و نام آنان و خلاصه‌ای از آنها را در کتاب «الفهرست» که اثر بسیار معتبر و مشهوری است جمع آوری کرده. بسیاری از دانش امروزی بشر متکی به کتابهایی است که در قرون گذشته نوشته است. بدون این کتابها ما نه شکل و قیافه و رفتار سقراط را می‌شناختیم نه مجسمه‌ها و تابلوهایی که در دوران باستان بوده اما امروز نشانی از آنها نیست.

علاوه بر آن خود شکل کتاب، جلد آن، صفحه‌بندی و ابعاد آن، بوی کاغذ و احياناً تصویرها و نقوش آن، انگار نشانه‌های ثانوی هستند که ما را به روزگار و زمانه نویسنده آن می‌برند و کتابی در حافظه کامپیوتر فاقد چنین نشانه‌هایی است.

در فصول بعدی کتاب بحث‌های متنوع دیگری در می‌گیرد. از جمله تفاوت بین اطلاعات و دانش و همچنین تمایز بین دانش و شناخت. در طول این گفتگوها از لذت خواندن کتاب، از تاثیری که گذشتگان بر هم عصران خود و یا بر نسل‌های آینده داشتند، از تفاوت مدیریت‌هایی مثل سینما با کتاب، از اهمیت کتابخانه‌ها در پایداری یک فرهنگ و یک دوره تاریخی و کتاب بوجود می‌آید، از اهمیت زبان گفتگو و بحث می‌شود. و این همه دریچه‌های دیگری از دنیای غریب و زیبای کتابها بر روی ما می‌گشایند. همچنین در بخش‌هایی از این کتاب بحث شیرینی درباره کتابهای خوانده نشده در کتابخانه شخصی ما و همچنین سرنوشت کتابخانه‌ای که در طول عمرمان گردآوری کرده‌ایم طرح می‌شود و هر یک از این دو نفر نگره‌های خود را در این باره مطرح می‌کنند.

«از کتاب رهایی نداریم» بسیار خواندنی و دلنشین است و در هر فصلی از آن، ما از اطلاعات پنهانور و عمیق «کلودکریر» شگفت زده شده و از طنز شیرین امبرتو اکو از ته دل می‌خندیم. این کتاب توسط خانم مهستی بحرینی از فرانسه به فارسی برگردانده شده و توسط انتشارات نیلوفر منتشر شده است.